انتخابات در «هیأت ملت» از رادیو جوان

برنامه رادیویی «هیأت ملت» با حضور افراد مطرح از مقامات و مسؤولان کشوری در قالب پرسش و پاسخی صریح و شفاف با کارشناسان جوان پیرامون مسائل مهم کشور روی آنتن رادیو جوان خواهد رفت. زهرا یساقی، مدیر طرح و برنامه رادیو جوان با اعلام خبری درباره برنامه انتخاباتی شبکه رادیو جوان به مهر گفت: شبکه رادیویی جوان مانند دوره‌های گذشته با طراحی برنامه‌های جذاب انتخاباتی در کنار اهتمام به مشارکت حداکثری به‌دنبال سوق دادن نامزدها به ارائه برنامه‌ای جامع برای حل مسائل کلیدی کشور است تا جوانان و سایر مردم علاوه بر آشنایی با مسائل اصلی کشور با دریافت برنامه‌ها و مطالعه توانمندی کاندیداها، دست به انتخابی آگاهانه بزنند.

مدیر طرح و برنامه رادیو جوان اظهار کرد: برنامه «هیأت ملت» در سری دوم که بعد از اعلام رسمی اسامی نامزدهای احرازصلاحیت شده است با حضور ایشان در استودیوی برنامه، تهیه و تولید خواهد شد.

عکس: مجید آزاد | جام جم

خیلی‌ها شرف خودشان را فراموش کرده‌اند

من در سریال نون‌خ چند تکیه‌کلام داشتم که ابداع خودم بود مثل درود به شرفت، تف به روحت. اینها بداهه خودم بود و سعید آقاخانی هم استقبال کرد و خیلی خوشش آمد به همین دلیل این تکه‌کلام‌ها را گذاشتیم. من تکه‌کلام درود به شرفت را دوست داشتم و برایم بسیار مهم بود زیرا خیلی افراد هستند که شرف خودشان را فراموش کرده و انگار آدم ماشینی شده‌اند. به همین دلیل کیوان هر چیز خوبی که دوست داشت برای آن اتفاق درود می‌فرستاد. در مجموع شخصیت کیوان نون‌خ را خیلی دوست دارم و برایم شیرین است.

خانواده‌ام حامی من بودند

شاید ۹۰ درصد موفقیتم را خانواده باعث شدند زیرا همسر و بچه‌هایم مرا بیشتر تشویق می‌کردند. همسرم تنها کسی بود که مرا باور داشت اما خواهر و برادرهایم باورم نداشتند اما خانواده‌ام در شرایط سخت بی‌پولی همراهم بودند و مخالف نبودند، البته قبل از این‌که وارد تلویزیون و سینما شوم، ازدواج کرده بودم. در آن مقطع زمانی جسته و گریخته تئاتر کار می‌کردم و در کنارش برای امرارمعاش خانواده کارگری و بلال‌فروشی می‌کردم و آب‌آلبالو، آب‌انجیر و... می‌فروختم. یعنی براساس فصل از این‌کارها انجام می‌دادم؛ البته بعد از این‌که شناخته شدم در عرصه بازیگری، خواهر و برادرها خیلی حمایتم کردند. الان هم حامی من هستند. فقط گناه‌شان این بود که باورم نداشتند!

از خانه‌نشینی بیزارم

راستش من اصلا به بازنشستگی فکر نکردم و نمی‌کنم. دلم می‌خواهد تا روزی که هستم کار کنم. از خانه‌نشینی بیزارم و از کارنکردن خوشم نمی‌آید، حتی وقتی یک روز سر کار نیستم، کسل می‌شوم. البته خانه‌نشینی فراوان داشتم. اوایل دهه ۹۰ به مدت سه سال کار نکردم، چون می‌خواستم انتخاب کنم. بنابراین دوست ندارم حتی به واژه بازنشستگی فکر هم کنم. ان‌شاءا... همه سلامت باشیم در این روزگار و محتاج کسی نباشیم.

از عبدل آب‌دوغ موادفروش تا دیگر نقش‌های منفی

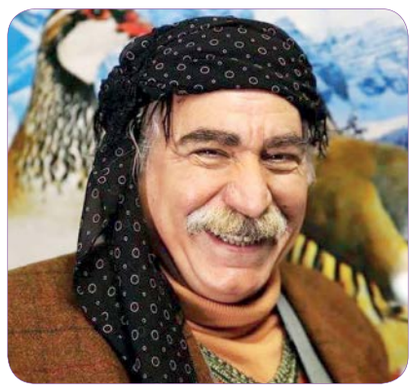

در کارنامه بازیگری‌ام نقش‌های خلافکار، قاچاقچی و... زیاد است که چند دلیل داشت؛ اول این‌که علاقه خودم به این نقش‌ها زیاد است تا نقش‌های مثبت. دلم نمی‌خواست نقش آدم‌های مثبت و تک‌بعدی را بازی کنم و می‌خواستم نقش برایم خاکستری و پر از چالش باشد. به همین دلیل زمانی که جوان‌تر بودم چنین نقش‌هایی را بازی می‌کردم و برایم جالب بود که چطور یک نفر قاتل می‌شود. یعنی چه بر او می‌گذشت که قاتل می‌شد و... بنابراین می‌پذیرفتم. دلیل دوم این بود که وقتی بازیگری نقشی را خوب بازی می‌کند همه برای همان جنس نقش‌ها سراغش می‌آیند و به قول معروف کلیشه می‌شود. مثلا یکی از نقش‌هایی که دوست دارم نقش عبدل آبدوغ موادفروش در سریال متهم گریخت است که با مرحوم سیروس گرجستانی بازی کردم. دلیل سوم گذران زندگی بود. من چهار پسر دارم که همه تحصیلات دانشگاهی دارند. وقتی پسرم می‌گفت باید هزینه دانشگاه را پرداخت کند، من هم در هر کاری بازی می‌کردم که هزینه خانواده را تامین کنم. همه اینها باعث شد چنین نقش‌هایی در کارنامه‌ام زیاد باشد؛ البته من همیشه سعی کرده‌ام نقش‌های منفی را شیرین بازی کنم که در ذهن مردم منفور نباشم. جالب بود که هر وقت هم سراغم آمدند به من گفتند که نمی‌خواهیم نقش خلافکار را خشن بازی کنی و می‌خواهیم شیرین باشد؛ بنابراین نقش‌های منفی‌ام، مملو از خشونت نیست و شیرین است. بعد از این‌که وضعم بهتر شد خانه و ماشینی خریدم و خدا رساند که نیازی به کسی نداشته باشم، سه سال بازی نکردم تا نقش‌های متفاوت به من پیشنهاد شود و از نقش منفی فاصله بگیرم. بعد از آن حق انتخاب پیدا کردم و در حال حاضر نقش‌های خوبی بازی می‌کنم.

هنرمندان کردنشینی که دیده شدند

کاش به این توجه بشود که در هر شهرستان بچه‌های بسیار خوب و هنرمندی وجود دارد؛ چه در زمینه تئاتر، سیقی و... این در حالی است که شهرستان سقفی دارد و بیشتر از آن ظرفیت برای فرد ندارد. ای کاش توجه ود و آثاری همچون نون خ بیشتر ساخته شود. شما نگاهی به سریال نون خ داشته باشید متوجه می‌شوید عید آقاخانی سعی کرد از ظرفیت‌های هنرمندان کردنشین استفاده کند. شاید اگر آقاخانی نبود و سریال نون ساخته نمی‌شد هرگز این دست از هنرمندان فرصت برایشان مهیا نمی‌شد تا بتوانند در سریالی بازی کنند و نمندی‌هایشان را نشان بدهند. آقای آقاخانی هم بسیار باتجربه است و همه بازیگران را درست و سر جایشان رداده است و با حوصله با همه تمرین می‌کرد و همه هم سعی می‌کردند کارشان را درست انجام بدهند.

کتم را خودم دوختم!

شاید باورتان نشود کتی که تنم است خودم دوختم. یعنی هم برش را انجام دادم و هم دوختم. وقتی وارد شغلی می‌شدم به‌شکل درست می‌رفتم و حرفه‌ای. مثلا در خیاطی بهترین برشکار شدم. سال‌های ۶۵ تا ۷۰ ماهی ۲۰ هزار تومان برای برشکاری به من می‌دادند. معتقدم هرکس کاری را که می‌خواهد انجام بدهد باید به بهترین شکل انجام بدهد تا بداند با خودش چندچند است.

همه نقش‌هایم را دوست ندارم

من نقش‌های مختلفی را بازی کردم اما همه کارهایم را دوست ندارم. چند کار با اصغر فرهادی کار کردم که خیلی دوست دارم. دو تا کار خوب با آقای رضا عطاران انجام دادم. چند کار با آقایان آقاخانی و موتمن انجام داده‌ام. عاشق نون خ هستم. البته باید تاکید کنم این‌طور نبوده که در تمام این سال‌ها نقش محوری بازی نکرده باشم. ۲۰ سال پیش در سریال آواز دهل نقش محوری داشتم که با مسعود رشیدی کار کردم. دلم می‌خواهد نقش آدم‌هایی را بازی کنم که عاشق زندگی هستند، خوب زندگی می‌کنند و موثر هستند اما یک دفعه دزد می‌شوند یا آدمکش... این تیپ شخصیت‌ها را دوست دارم و این‌که درباره‌شان کنکاش کنند که چطور یک فرد در ۵۰ سالگی دست به قتل می‌زند. مشخص است این فرد قاتل نیست و شرایط باعث شد زمام زندگی از دستش در برود و دست به قتل بزند زیرا اگر قاتل بود در جوانی‌اش این کار را انجام می‌داد و حتما درگیر ماجراهایی شده است.

مرا به‌جای افسر عراقی اشتباهی گرفتند و کلی کتکم زدند!

غل من بازیگری است و از این طریق امرار اش می‌کنم؛ البته باید بگویم که از بچگی کرمانشاه پادویی کرده و زندگی سختی شتم. شاگرد نجاری بودم، تو خیاطی کار دم و... البته در این اصناف تخصص هم دا کرده‌ام. تا این‌که در تئاتر بازی می‌کردم. یاد دارم ۱۹ ساله بودم که جنگ شروع د. در آن مقطع زمانی من هم در کرمانشاه تر کار می‌کردم تا این‌که رئیس ارشاد آن طع به من گفت که یک تئاتر ۲۰ دقیقه‌ای احی و آن را در جبهه برای رزمندگان اجرا م تا روحیه‌شان شاد شود زیرا مدت‌های طولانی مرخصی نرفته بودند. قرار شد برای هر اجرا هزار تومان به من هند. من هم به مناطق غرب یعنی سرپل‌ذهاب، مهران، قصرشیرین و... می‌رفتم. خلاصه هرجا که امن بود ما ی رزمندگان تئاتر اجرا می‌کردیم؛ البته شیوه‌ام برای اجرای تئاتر غافلگیری بود زیرا در سوله‌ای که رزمندگان نماز خواندند، سن برای اجرا نبود. روشم هم این‌طور بود که من یک افسر عراقی بودم و به‌دنبال یک بسیجی رزمنده دویدم و آن رزمنده با داد و بیداد و کمک‌خواستن وارد سوله می‌شد. از آنجا که من لباس یک عراقی را پوشیده دم کاملا برای رزمندگان باورپذیر می‌شد و اسلحه واقعی هم به‌دست داشتم؛ البته قبل از اجرا با مسوول تبلیغ آن طقه صحبت می‌کردیم و او فقط در جریان این تئاتر غافلگیرکننده بود. رزمندگان هم کلی می‌خندیدند اما در حین را برایم اتفاق جالبی افتاد که از روی آن یک فیلم ساخته شد.

طرات مرا نمی‌دانم چه کسی برای سردار منتظرالمهدی تعریف کرده بود. او هم خیلی خوشش آمده و به من گفت فیلم سینمایی بسازیم که البته فیلمنامه آن را خودم نوشتم با نام «جاسم به جبهه می‌رود» که داستان زندگی دم بود ولی اتفاقاتی هم اضافه کردیم تا بعد دراماتیک پیدا کند. ماجرا از این قرار بود که ما همین تئاتری را که یتان تعریف کردم در سرپل‌ذهاب اجرا کردیم. مثل همیشه فقط مسوول تبلیغات منطقه می‌دانست ما چه‌کار خواهیم بکنیم. بعد از تمام‌شدن اجرا، مسوول تبلیغات از ما خواهش کرد به منطقه مهران برویم و آنجا هم این تر را برای رزمندگان اجرا کنیم زیرا شش‌ماه بود که به مرخصی نرفته بودند. همین که ما می‌خواستیم اجرا کنیم دفعه آن منطقه تبدیل به منطقه جنگی شد و عراقی‌ها حمله کردند. فکر می‌کنم سال ۶۲ بود. من هم بدون آن‌که جه کنم لباس یک فرمانده عراقی را پوشیده‌ام در رفتم. تا این‌که بسیجی‌ها مرا گرفتند و هر چه به آنها می‌گفتم این س تئاتر است، باورشان نمی‌شد.

ط شانس آوردم مرا با گلوله نزدند. بعد از این‌که کلی کتکم زدند، بیهوش شدم و مرا در زاغه مهمات انداختند بعد به‌هوش آمدم دیدم رزمندگان با زبان کردی حرف می‌زنند و من هم شروع کردم به زبان کردی حرف زدن و این‌که ن لباس نمایش است اما نه‌تنها باور نکردند، بلکه به من گفتند که نفوذی هستم! و بیشتر کتک خوردم. فکر کنم یک شب دوبار کتک خوردم. بد هم زدند! حتی جای بخیه روی صورتم هنوز هم هست. مسوول تبلیغات طقه سرپل‌ذهاب که ما را برای اجرای تئاتر به مهران فرستاده بود از قرار زخمی شده بود و بعد از پیگیری متوجه د دوستان مرا به اشتباه گرفته‌اند و بی‌سیم زدند که من بازیگر تئاتر هستم و... البته وقتی فیلمنامه جاسم به هه می‌رود را نوشتم، چون سنم بالا رفته بود، نصرا... رادش نقش افسر عراقی را بازی کرد زیرا باید بازیگری انتخاب شد که زبان عربی بلد بود و چون رادش آبادانی بود او برای نقش جاسم انتخاب شد.

خانواده‌ام رنج‌هایم را در بازیگری دیده‌اند

بچه‌هایم علاقه‌مند به بازیگری هستند و دیده‌اند که چقدر رنج کشیدم. آنها هم جسته و گریخته کار می‌کنند اما شرطم این است برایشان که باید در ابتدا صاحب موقعیت اجتماعی شوند و بعد سراغ بازیگری بروند. البته برای پسر کوچکم شاهین پیشنهادهایی بود اما قبول نکرد؛ حتی یکی از پیشنهادها نوشته خودم بود و کارگردان به او گفت که چطور نوشته پدر را حاضر نیستی بازی کنی و او گفت که می‌خواهد از جایی دیگر شروع کند. در طول این سال‌ها گاهی اطرافیان و آشنایان به من می‌گویند که استعداد در بازیگری دارند و علاقه‌مند به این کار هستند. به هرحال باید جلو بیایند تا ببینند که آیا استعداد در این زمینه دارند یا نه؟ یکی از دوستان چندی پیش به من گفت که پنج سال است بازیگری تدریس می‌کند اما یک بازیگر بیرون تحویل نداده است. به او گفتم همین هم موفقیت محسوب می‌شود، زیرا تو به خیلی‌ها نشان دادی که در این حرفه موفق نخواهند شد و به قول معروف این‌کاره نیستند. بنابراین از دید من این موفقیت محسوب می‌شود.

امسال برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام نمی‌کنم!

چند سال پیش بود که برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد. البته یک حرکت نمادین بود برای بیکاری. چون من چهار بچه با تحصیلات دانشگاهی داشتم که بیکار بودند و جالب بود که مردم و همسایه‌ها به سراغ من می‌آمدند که برای فرزندان‌شان کار پیدا کنم، تا این‌که در اثر اتفاقی تصمیم گرفتم برای این‌که واژه بیکاری را نجات بدهم در ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنم تا کلمه بیکاری را یادآوری کنم. مسؤولان باید توجه کنند که بیکاری درد بزرگی است و کسانی که نمی‌توانند کاری برای جامعه کنند نباید جلو بیایند، زیرا باید باعث پیشرفت اجتماع شوند نه این‌که مانع باشند.

در سال‌های اخیر تئاتر کار نکردم

دلم می‌خواهد در تئاتر هم بازی کنم اما در سال‌های اخیر فرصت نشده تئاتر بازی کنم. البته یک نمایشنامه‌ای خودم به نام عابر بابا نوشتم اما سالن خوب برای اجرا نتوانستیم پیدا کنیم و تئاتر را کار نکردیم. به هر حال خاستگاه من تئاتر است و دوست دارم نقش‌های متفاوتی را در مدیوم‌های متنوع بازی کنم. این روزها مشغول بازی در یک سریال نمایش خانگی هستم. همیشه نقش‌هایم را با انرژی بازی می‌کنم، چون تئاتری بودم.

چه خبر؟

پخش «رعدوبرق» از امشب در شبکه۵

به گزارش روابط‌عمومی پروژه، سریال «رعدوبرق» به نویسندگی و کارگردانی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی داود هاشمی که قرار بود همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان روی آنتن شبکه پنج سیما برود با یک‌روز تأخیر از امشب آغاز می‌شود.

بهروز افخمی پس از هفت‌سال دوری از تلویزیون، اواخر سال ۹۸ ساخت سریال رعدوبرق درباره حادثه وقوع سیل ۹۸ در مناطق سیل‌زده شمال کشور را آغاز کرد؛ سیلی ویرانگر و مهیب که از اسفند ۹۷ بر اثر بارندگی‌های شدید در استان‌های شمالی ایران، ازجمله گلستان، مازندران، خراسان‌شمالی و جنوب و جنوب‌غرب کشور متأسفانه خرابی‌های بسیاری به بار آورد و جان تعدادی از هموطنان‌مان را گرفت و شماری را نیز بی‌خانمان کرد.

این روزها سازندگان مشغول ضبط بخش‌های پایانی این سریال هستند و اغلب بخش‌های این سریال در بحبوحه شیوع کرونا در لوکیشن‌های واقعی در شمال و جنوب و جنوب‌غرب کشور تصویربرداری شده است.

بازیگران این سریال عبارتند از: شهرام قائدی، محمد فیلی، مهران رجبی، مختار سائقی، شهین تسلیمی، سام کبودوند، تورج فرامرزیان، مهدی زمین‌پرداز، ابراهیم امیرخانی، مزدک رستمی، مریم عبادی، غلامعلی رضایی، مجید درستی، ابراهیم یوسفی، حامد محمدخانی، ویدا موسوی، سپیده موسوی و... .

به گفته کارگردان، رعدوبرق یک سریال حادثه‌ای است با مایه‌های کمیک.

احمدرضا موسوی مجری مسابقه «بیست‌شو» شد

مسابقه «بیست‌شو» مسابقه‌ای مخصوص زوجهای جوان است که در چالش‌های مختلف به رقابت با سایر زوج‌ها و خانواده‌های ایرانی می‌پردازند.

بیست‌شو عنوان مسابقه‌ای جدید و کاری از گروه مسابقات و تفریحات رادیو صباست. این مسابقه به تهیه‌کنندگی ندا حاجی‌اسماعیلی و اجرای پرانرژی احمدرضا موسوی راهی آنتن صبا می‌شود. احمدرضا موسوی که مخاطبان با اجراهای طنز او آشنا هستند در اولین تجربه رادیویی، مجری این مسابقه می‌شود. اولین قسمت بیست‌شو را می‌توانید پنجشنبه ساعت ۱۱،۳۰ دقیقه از رادیو صبا بشنوید.

«خبرمَبر» را از رادیو معارف بشنوید

برنامه «خبرمَبر» در رادیو معارف شیوه‌های جنگ روانی دشمن در انتخابات را بازگو می‌کند.

به گزارش روابط‌عمومی رادیو معارف؛ یکی از برنامه‌هایی که به مناسبت فرارسیدن ایام انتخابات ریاست‌جمهوری روی آنتن می‌رود برنامه خبرمَبر است.

این برنامه با توجه به درپیش‌بودن انتخابات ریاست‌جمهوری به تبیین بازتاب انتخابات ایران در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی می‌پردازد. برنامه خبرمَبر که به همت گروه رویداهای معارفی و اطلاع‌رسانی شبکه رادیویی معارف طراحی و تولید می‌شود با رصد شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی شیوه‌های جنگ‌روانی دشمن را بررسی کرده و با استفاده از کارشناسان رسانه تکنیک‌های جنگ‌روانی دشمن را به مخاطب معرفی می‌کند. این برنامه به تهیه‌کنندگی حسن حیدرزاده روزهای جمعه ساعت ۹ پخش و تکرار آن همان روز ساعت ۱۴و۳۰ دقیقه تقدیم مخاطبان این رسانه دینی می‌شود.